

گرامیداشت سالروز درگذشت دکتر یدالله سبحانی

از بنیانگذاران نهضت آزادی ایران

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ
وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ ۖ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب-۲۳)^۱

یک سال از درگذشت استاد فرزانه، مبارز، مقاوم و خستگی‌ناپذیر معاصر، دکتر یدالله سبحانی، استاد و پدر زمین‌شناسی ایران، عضو برجسته شورای عالی آموزش، از فعالان نهضت مقاومت ملی و از بنیانگذاران و رهبران برجسته نهضت آزادی ایران سپری شد. یاد آن مرشد و آموزگار گرامی همچنان در دل شاگردان، یاران و هم‌زمان او زنده و پایدار است.

دکتر سبحانی بزرگمردی بود که عمر طولانی و پربار خود را، با نزدیک به یک قرن درد و رنج و تلاش بی‌وقفه برای حفظ و گسترش ارزش‌های اسلامی و انسانی، و استیفای حقوق ملت و استقرار دموکراسی در کشور استبدادزده ایران، با افتخار، سربلندی، عزت و خدمت به مردم گذراند.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران در مراسم بزرگداشت آن رادمرد در سال ۱۳۷۸، خصوصیات ایشان را چنین برشمرد: دکتر سبحانی و آن دو یار دیرین، مهندس مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی، عمری سرافرازانه به دانش آموختن و آموزاندن و نیک کرداری و نیک گفتاری و نیک پنداری، با مشی و سلوک در صراط اعتدال و مستقیم، انصاف و عدالت‌ورزی، اجتناب از ستم و مبارزه با ستمگر، پیشه ساختن نظم و زیستن و انضباط، اخلاق، کار، خدمت به کشور و دین، تولید فراوان و مصرف اندک، گذرانده‌اند و هر دوستدار فضیلت و پاکی و علم و تقوی و میهن‌دوستی و دیانت‌خواهی در برابر آنان سر تعظیم فرود می‌آورد و زبان به تجلیل و قلم به تحریر می‌گشاید. افزون بر اوصاف نیکوی فوق؛ یگانگی قول و فعل، مقدم داشتن مصالح کشور و مردم، خویش را ندیدن و خدمت و قدم خود را کوچک شمردن و در خدمات لب از سخن فرو بستن...

شرح احوال و کارنامه سیاسی، علمی، فرهنگی و خدماتی شادروان دکتر سبحانی روشن‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. استادی که از آغاز قرن خدمات آموزشی و فرهنگی خود را آغاز می‌کند، در سال ۱۳۰۴ شمسی ابلاغیه معلمی مدرسه ابن‌سینای تهران را دریافت می‌نماید و در مدیریت امور فرهنگی و اداره امتحانات، در آغاز جوانی، کارآمدی خود را به اثبات می‌رساند؛ در سال ۱۳۰۷ وارد دارالمعلمین مرکزی می‌شود و در سال ۱۳۱۰ نامش جزء نخستین فارغ‌التحصیلان علوم طبیعی ایران در

^۱ از میان مؤمنان مردمی هستند که در پیمانی که با خدا بسته‌اند، راست و درست رفتار کرده‌اند؛ و از ایشان کسی هست که عهد خویش [تا پایان حیات] به سر برده‌است، و کسی هست که [شهادت را] انتظار می‌کشد، و هیچ‌گونه تغییری و تبدیلی در کار نیاورده‌اند.

تاریخ دستگاه‌های ایران ثبت می‌شود؛ در سال ۱۳۱۱، در کنکور اعزام دانشجو به خارج کشور شرکت می‌کند و موفق می‌شود که برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام گردد و در دانشگاه شهر لیل تحصیلات خود را در رشته زمین‌شناسی تا سطح دکترا ادامه دهد؛ پس از اتمام تحصیلات عالی، به ایران باز می‌گردد؛ در سال‌های ۱۸-۱۳۱۷ رشته زمین‌شناسی به همت و کوشش ایشان در دارالمعلمین مرکزی (دانشسرای عالی) تأسیس و بنیانگذاری می‌شود.

هر چند که شغل مورد علاقه دکتر سبحانی معلمی بود و از آموزگاری ساده تا مرتبه استادی ممتاز دانشگاه را طی کرد، آنچه او را از دیگران مشخص و متمایز می‌سازد خط‌مشی ثابت ملی و سیاسی او است که همراه با حفظ ارزش‌ها، دفاع از حق و حقیقت و پایبندی به اصول خدشه‌ناپذیر مردم‌سالاری، در کنار ارائه خدمات علمی و فنی انکارناپذیر، عمری را صرف دفاع از منافع ملی و مبارزه با استبداد سیاسی و دینی و استعمار فرهنگی می‌کند.

در واقع، دکتر سبحانی دانش جدید را به خوبی و به طور عمیق فرا گرفت و از آن در زمینه‌های گوناگون و در مقیاس گسترده در راستای خدمت به مردم بهره‌گیری کرد؛ او از یک سو به علم خویش جنبه کاربردی داد (که نمونه آن شناسائی کارشناسانه چاه‌های آرتزین و قنوات بود) و از سویی علم را در جهت تحکیم مبانی اعتقادی و ارزش‌های بشری و بازسازی حیات معنوی به کار گرفت، چنان که نظریه «تکامل» را به بهترین وجهی در خدمت درک عمیق آیات قرآن و چگونگی خلقت انسان به کار برد.

ابتکار دکتر سبحانی در این بود که ضمن آن که از نخستین مروجان علوم طبیعی در ایران به شمار می‌رود، با شهامت و بی‌پروایی وارد بحث تکامل در قرآن شد و چارچوب این نظریه را با موفقیت بی‌نظیری در کتاب خلقت انسان به رشته تحریر درآورد. او بدین ترتیب با انطباق اصول تکامل که نقش مهمی در علوم جدید داشت- با آیات الهی، در راه تحکیم اعتقادات جوانان و روشنفکران نقش مؤثری ایفا کرد.

دکتر سبحانی و دو یار همفکرش، بازرگان و طالقانی، برخی تصورات باطل معمول زمان راه، از جمله اینکه دانش‌های جدید مغل اعتقادات مذهبی پنداشته می‌شد و اساساً، توسعه علوم جدید قرین دین‌زدایی و همراه با بی‌اعتقادی و ضدیت با دین قلمداد می‌گردید، شکستند و علم را همراه و پشتوانه دین کردند و دینداران را از پشت کردن به علم بر حذر داشتند.

از آنجا که ایمان دکتر سبحانی بر پایه یک اعتقاد صرفاً سنتی و آباء و اجدادی نبود و این ایمان و اعتقاد از یک سو با شناخت ارزش‌های اصیل اسلامی و از سوی دیگر با عشق به علم همراه بوده او و یارانش با تلاش‌های ارزنده خود ایمان و اعتقاد را به جوانان بی‌اعتقاد بازگرداندند و ساختارهای فکری دینداران که متزلزل شده بود، استحکام بخشیدند. بنابراین، کار آنان پدیدآورنده یک تحول ساختاری در افکار و اندیشه‌های مردم، بویژه جوانان، بود.

دکتر سبحانی، همگام و همراه با یاران دیرینش، مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی، از اواخر دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ وارد صحنه مبارزات و کنش‌های سیاسی نهضت ملی به رهبری و پیشگامی پیر تاریخ ایران، دکتر محمد مصدق، شد. تا آن هنگام معتقدان اصیل و برخی از استادان دانشمند دانشگاه از سیاست فاصله می‌گرفتند و به اصطلاح خود را قاطی سیاست نمی‌کردند. سیاست کشور در اختیار سیاست‌بازان و

سیاستمداری مترادف با چاپلوسی، مقام پرستی و زیر پا گذاشتن وجدان و اخلاق بود. اما مبارزات قاطع و پیگیر با استعمار انگلیس و استبداد داخلی، رشد نهضت ملی و تجربه مردم سالاری در عصر مصدق، سیاست را به مفهوم خدمت به مردم به عرصه عمل اجتماعی و مردمی کشاند و از این طریق گروه‌های زیادی از مردم شوق و ذوق مشارکت و مداخله در سیاست را پیدا کردند. در این میان، روشنفکران دینی که اصالت‌های فرهنگی و دینی را پشتوانه یک حرکت اصیل سیاسی-اجتماعی قرار داده بودند- با بهره‌گیری از نیروی جوان دانشجویان مؤمن و معتقد، بنیان یک حرکت پایدار و مستمر مبارزاتی را که متکی بر بینش ملی و دینی آنان بود، پایه‌گذاری کردند. کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ اگر چه فرایند نوپای دموکراسی را در نطفه خفه کرد و استبداد داخلی و استیلاي خارجی را بار دیگر سلطه داد، نهضت ملی ایران را متوقف نکرد. از فردای کودتا، بسیاری از یاران مصدق، از جمله دکتر سحابی، همراه با مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله زنجانی و سایر پیروان وفادار مصدق در «نهضت مقاومت ملی» متشکل شدند و با ایجاد روح مقاومت و پایداری و زنده نگاه‌داشتن روحیه مبارزاتی مردم در برابر تبلیغات سنگین و یکسویه رژیم زخم‌خورده شاه، به استقامت و مبارزه ادامه دادند. نهضت مقاومت ملی، در طول هشت سال مبارزات مخفیانه خود، به اتکای نیروی ملت به دفاع از حیثیت و اصالت مبارزات ملت ایران و نگهداری از دستاوردهای سیاسی و معنوی ملی شدن صنعت نفت پرداخت. در سال ۱۳۳۹، مبارزات ملت ایران علیه حکومت کودتا و سلطه آمریکا و انگلیس بر ایران اوج تازه‌ای یافت و مبارزه علنی امکان‌پذیر گردید؛ جبهه ملی تجدید حیات نمود. مهندس بازرگان، دکتر سحابی، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله زنجانی، که نمایندگان جریان ملی-اسلامی بودند، به همراه سایر نیروهای ملی، نقش مؤثری را در آن مقطع ایفا کردند، و سپس، در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰، به منظور تکمیل سازماندهی نیروهای مردم به تشکیل «نهضت آزادی ایران» اقدام نمودند. بدین ترتیب پایه یکی از دیرپاترین احزاب سیاسی ایران، براساس اسلامیت، ایرانیت و مصدقی بودن گذاشته شد.

اما پس از مبارزات و برخوردهای قاطع در سال‌های ۳۹ و ۴۰، این مبارزان راه آزادی در پی محاکمات نظامی به جرم اقدام علیه امنیت کشور به زندان‌های طولانی محکوم شدند که بر اثر ادامه مبارزات در داخل زندان، به زندان برانجان تبعید گردیدند.

آنان حتی در زندان، نه محاکمه رژیم کودتا و مبارزه علیه آن را فراموش کردند و نه تلاش‌های فرهنگی و علمی خویش را. در همان سال‌های زندان بود که بازرگان سیر تحول قرآن را به نگارش درآورد، طالقانی پرتوی از قرآن را تدوین کرد و دکتر سحابی کتاب ارزشمند و پر معنای خلقت انسان را نگاشت و پس از آزادی از زندان، آنان همچنان پایدار و مصمم نه تنها در سنگرهای نهضت آزادی ایران و انجمن‌های اسلامی به مبارزات خود برای آزادی ملت ایران ادامه دادند، بلکه به تأسیس نهادهای آموزشی، از جمله دبیرستان‌ها با شعار «تحکیم دین از راه ترویج علم» همت گماردند و مدارس نمونه‌ای مانند دبیرستان کمال و دبیرستان کوثر از خود به یادگار گذاشتند. دکتر سحابی در این حرکت نقش کلیدی داشت.

دکتر سحابی، همانند سایر همزمانانش در نهضت آزادی ایران، نقش مهمی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران ایفاء کرد. او قبل از پیروزی انقلاب عضو شورای انقلاب و مسئول کمیته اعتصابات بود و پس از پیروزی انقلاب مسئولیت وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب در دولت موقت را برعهده داشت؛

در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب گردید و به عنوان رئیس سنی نخستین مجلس شورا در جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

دکتر سحابی همراه با مهندس بازرگان و پس از درگذشت آن زنده‌یاد، همواره در برابر بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق مردم ایستادگی کرد و هرگز از تلاش برای استقرار دموکراسی و شرایط عادلانه‌تر در جامعه و نصیحت حاکمان از پای نایستاد.

دکتر سحابی به کار سیاسی جمعی عمیقاً اعتقاد داشت و متعهد بود. تنها راه نهادینه شدن دموکراسی را رشد و گسترش تحزب با قبول تمام الزاماتش می‌دانست و تا پایان عمر پر برکتش، با وجود ضعف شدید ناشی از کهنسالی در جلسات شورای مرکزی نهضت آزادی ایران حضور می‌یافت و به طور فعالانه در بحث‌ها شرکت می‌کرد. او معلم اخلاق و سلوک سیاسی بود.

به مناسبت اولین سالگرد درگذشت دکتر سحابی، تصویر آخرین امضای سیاسی دکتر سحابی را جداگانه منتشر می‌کنیم. دکتر سحابی و جناب آقای سیداحمد صدر حاج‌سیدجوادی در غیاب دبیرکل نهضت آزادی ایران از طرف شورای مرکزی نهضت تقدیرنامه برای تجلیل ۹ تن از وکلای مدافع شجاع و با شهامت اعضای نهضت آزادی ایران را امضا کرده‌اند.

نهضت آزادی ایران، ضمن نکوداشت مقام این مرد بزرگ تاریخ معاصر ایران، خوشحال و مفتخر است که او را تا پایان عمر پربرکتش در کنار خود داشت و از مدیریت، راهنمایی و همکاری بی‌شائبه و پرثمر وی بهره‌مند بوده است. روانش شاد، نامش همچنان زنده و جاوید و راهش پر رهرو باد. عاش سعیدا و مات سعیدا

نهضت آزادی ایران